

سرزمین و جنبش فلسطین کماکان تحلیل میروند

سعید رهنما



در نوار غزه به قدرت رسیدن حماس بهانه قاطعی بدست اسرائیل داد که نه تنها سرکوب فلسطینی ها را افزایش دهد و از توافق های قبلی خود که در جریان موافقتنامه های اسلومتعهد شده بود، سر باز زند، بلکه سیاست های تجاوز گرانه خود را گسترش دهد.

هر بار که فرصت دیدار سرزمین های اشغالی فلسطین دست می دهد، آنچه را که به وضوح می توان مشاهده کرد وسعت گرفتن حوزه قلمرو اسرائیل و تحلیل رفتن فضای فلسطینی ها است. دیوار حالا دیگر تقریباً تمام شده و در نقاطی بیش از ۲۰ کیلومتر به داخل زمین های فلسطینی کرانه غربی رود اردن نفوذ کرده و گاه يك یا چند دهه فلسطینی را با همه خانه ها و مزارع و آدم هایش بلعیده است. شهرک های یهودی نشین آنچنان رشد کرده اند که پاره ای از آنها از شهرهای عمده داخل اسرائیل هم بزرگتر شده اند. کشت و صنعت های عظیم اسرائیلی دره رود اردن در حال گسترش اند، و دولت اسرائیل به کشتگران فلسطینی این ناحیه، که ماداران و پدران و اجدادشان نیز در این زمین ها کشت می کرده اند، اخطار داده که چون تکلیف مالکیت این زمین ها روشن نیست، تا تعیین تکلیف نهائی حق کشت ندارند و در مواردی نیز اعلام کرده که نخلستان های آنها را ریشه کن خواهد کرد. بخش کشاورزی که زمانی نه تنها غذای فلسطینی ها را تامین می کرد بلکه صادرات قابل توجهی نیز داشت، رو به تحلیل می رود. بخش صنعتی علی رغم ایجاد چندین قطب صنعتی، کماکان عمدتاً محدود به صنایع سنتی غذایی کشاورزی است، و آنها نیز بخاطر محدودیت های دسترسی به آب و برق و موانع ارتباطی و تردد ناشی از اشغال، سخت دچار مشکل اند. تنها بخش ساختمان و خدمات است که بخاطر رشد وسیع چند شهر فلسطینی و رشد طبقه متوسط جدید، رو به گسترش است. تفرقه سیاسی بین دو جریان عمده فتح و حماس و ضعف فزاینده جریانات چپ ادامه دارد. انتفاضه دوم با ابعاد فاجعه بارش به تمامی شکست خورده و حرکات سیاسی رو به کاهش است و هر حرکتی براحتی سرکوب می شود.

بطور کلی اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فلسطین دستخوش تحولات اساسی است. سه عامل عمده، بدرجات مختلف مسئول این دگرگونی‌ها هستند: سیاست اسرائیل، سیاست‌های کشورهای کمک‌کننده مالی به فلسطین، و سیاست رهبران فلسطین.

سیاست اسرائیل

واضح است که عامل اول یعنی اشغال کرانه شرقی رود اردن و محاصره نوار غزه توسط اسرائیل با حمایت امریکا و تمام محدودیت‌ها و سختی‌هایی که این رژیم بر مردم فلسطین تحمیل کرده، تعیین‌کننده‌ترین عامل در این وضعیت اسفبار است. دولت ائتلافی موجود اسرائیل یکی از خشن‌ترین دولت‌های تاریخ اسرائیل است که بخاطر رشد سریع شهرک‌نشینان و افزایش جمعیت اولترا ارتدوکس‌های یهودی از یک طرف و زوال حزب کارگر و تضعیف فزاینده نیروهای چپ اسرائیلی از طرف دیگر، کماکان در قدرت باقی است. موفق‌ترین سیاست نتانیا هوو راست‌های افراطی اسرائیلی، استفاده ماهرانه از شعارهای توخالی ضد اسرائیلی احمدی نژاد و خامنه‌ای بوده که "خطر" ایران را عمده کرد و توجه جهان را از مسئله فلسطین و جنایاتی که دولت اسرائیل و شهرک‌نشینان بر علیه آنها مرتکب می‌شوند، منحرف نمود. این سیاست آنچنان موفق بوده که در داخل و خارج از اسرائیل همه از درگیری‌های ایران و اسرائیل و نه اسرائیل و فلسطین صحبت می‌کنند. جالب آنکه در مناظره انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا در مبحث سیاست خارجی و مسئله اسرائیل، بحث اصلی حول مقابله ایران و اسرائیل بود و حتی نامی از مسئله فلسطین برده نشد. این هم یک دستاورد بین‌المللی دیگر رژیم اسلامی ایران! البته بُعد دیگر این مسئله متأسفانه ضعف و کم‌حرکتی جنبش ضد اشغال فلسطین نیز هست. دولت نتانیا هوو تقریباً در تمامی عرصه‌ها، از قتل و زندانی کردن، تا گسترش شهرک‌های یهودی و محدود کردن دسترسی به منابع آب، فشار بر فلسطینی‌ها را افزایش داده است. تنها استثناء کاهش تعداد پست‌های بازرسی و راهبندان‌ها در بعضی مناطق است، که آنها را نیز هر زمان به دلخواه تغییر می‌دهد.

در کرانه غربی رود اردن، اورشلیم شرقی حالا با ایجاد شهرک‌های یهودی بسیار وسیع در طرف شرقی آن کاملاً محاصره شده و عملاً از کرانه غربی منفصل گردیده است. در درون اورشلیم شرقی نیز، از جمله در داخل شهر قدیمی پرچم‌های اسرائیلی بیشتری را بر فراز بعضی خانه‌ها می‌توان مشاهده کرد، که نشانی از اشغال خانه‌های فلسطینی

است. اما مهم ترین تجاوزات سرزمینی در دره حاصلخیز رود اردن ادامه دارد. این ناحیه حدود سی در صد کل سر زمین فلسطین در کرانه غربی را تشکیل می دهد. توافقنامه اسلو ۸۷٪ این ناحیه را تا تعیین تکلیف نهائی تحت کنترل اسرائیل قرار داده بود (با آنکه حدود ۶۰ هزار فلسطینی در این ناحیه زندگی می کنند.) اما اسرائیل بطور غیر قانونی تعداد سی و هفت شهرک یهودی نشین با جمعیتی نزدیک به ده هزار نفر در این ناحیه ایجاد کرد. بر اساس گزارش سازمان ملل در سال گذشته در ناحیه دره رود اردن بیش از دویست ساختمان فلسطینی تخریب و صد ها خانوار فلسطینی دیگر آواره شده اند. دسترسی به آب برای فلسطینی های این ناحیه به کمتر از سرانه بیست لیتر در روز رسیده که یک پنجم میزانی است که سازمان بهداشت جهانی تعیین کرده است. مصرف متوسط آب در شهرک های یهودی نشین این ناحیه سرانه سیصد لیتر در روز است. علاوه بر زمین های کشاورزی، اسرائیل حدود هفت در صد این ناحیه را نیز تحت عنوان حفظ محیط زیست بروی فلسطین ها بسته، و اگر مناطق نظامی اسرائیلی این ناحیه را نیز در نظر بگیریم، فلسطینی ها در مجموع از ۹۴٪ دره رود اردن محروم شده اند. دسترسی آنها به بحر المیت نیز عملاً بطور کامل از دست رفته است. بر کنار از صدمات انسانی، این سیاست اسرائیل از نظر اقتصادی صدمه فراوانی به فلسطین وارد آورده. طبق یک بررسی بانک جهانی، اگر فلسطینی ها حتی به سه و نیم در صد این زمین ها دسترسی یابند، سالانه یک میلیارد دلار از این محل در آمد خواهند داشت.

در نوار غزه به قدرت رسیدن حماس بهانه قاطعی بدست اسرائیل داد که نه تنها سرکوب فلسطینی ها را افزایش دهد و از توافق های قبلی خود که در جریان موافقتنامه های اسلومتعهد شده بود، سر باز زند، بلکه سیاست های تجاوز گرانه خود را گسترش دهد.

تجاوز های جدید در نوار غزه در دریا و فلات قاره فلسطین در دریای مدیترانه اتفاق افتاد. با کشف منابع عظیم گاز طبیعی در سواحل مدیترانه در اوایل سال ۲۰۰۰ یک کنسرسیوم انگلیسی/لبنانی طی قرار داد منعقد شده با حکومت خود مختار فلسطین (پی.ان.ا.)، عملیات کشف، آماده سازی، و لوله کشی برای بهره برداری از منابع گازی را آغاز کرد. این منبع عظیم به سواحل اسرائیل نیز امتداد می یابد، اما حدود ۶۰٪ آن به فلسطین متعلق است. با شروع انتفاضه دوم، و پس از بقدرت رسیدن آریل شارون، قرار داد شرکت انگلیسی (بی.جی) و پی.ان.ا. بزرگسئوال رفت، و با آنکه در دوران دولت اولمرت اسرائیل روی کاغذ توافق کرد که از حکومت فلسطین گاز خریداری کند، با درگیری حماس و فتح در غزه و بقدرت رسیدن حماس در این ناحیه، همزمان با مباران همه جانبه غزه، دولت اسرائیل قرارداد گاز

فلسطین را لغو و با زیر پا گذاشتن قوانین بین المللی، حاکمیت خود را بر منابع گازی اعلام کرد. این تجاوز آشکار در واقع یکی از بزرگترین ضربات اقتصادی به فلسطین است، چراکه دولت فلسطین بعنوان یک صادر کننده گاز طبیعی، منبع سوختی که روز به روز بر مشتریان جهانی اش اضافه می شود، میتواند بسیاری از مسائل اقتصادی خود را حل کند.

مسئله تجاوز به حریم دریائی فلسطین برای ماهی گیران غزه نیز فاجعه بار بوده، و نه تنها صدمه اقتصادی فراوانی به آنها وارد آورده، بلکه مردم غزه را نیز از یک منبع غذائی عمده محروم ساخته است. توافقنامه اسلو در ۱۹۹۵ مرز دریائی فلسطین را بیست مایل دریائی تعیین کرده بود. زمانی که حماس در انتخابات ۲۰۰۶ بیشترین آراء را آورد، اسرائیل با بهانه قرار دادن آن خودسرانه این مرز دریائی را به شش مایل تقلیل داد، و پس از کودتای حماس در ۲۰۰۷ و شروع حمله اسرائیل به غزه در ۲۰۰۸، اسرائیل این مرز دریائی را به سه مایل تقلیل داد. باین ترتیب فلسطینی های نوار غزه حدود ۸۵٪ حریم آبی خود را از دست داده اند. سواحل غزه نیز بخاطر ممانعت اسرائیل از بازسازی سیستم فاضل آب بسیار آلوده شده و کمتر ماهی در آن یافت می شود. و بسیاری موارد دیگر که در این مختصر نمی گنجند.

سیاست های دولت های کمک کننده به فلسطین

بر کنار از حمایت بی قید و شرط مالی و نظامی امریکا، که در واقع بهمان اندازه دولت اسرائیل در صدمات وارده به فلسطین سهم است، دولت های کمک کننده به فلسطین نقشی دوگانه در وضعیت کنونی فلسطین دارند. از یک سو بدون کمک های مالی این کشورها فلسطین اشغالی امکان تامین نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را نخواهند داشت، اما از سوی دیگر تمامی این کمک ها هدف های مشخص و مشروطی را دنبال می کنند که هدف عمده آن سازش رهبری فلسطین با خواستهای اسرائیل است. حتی در مورد صنعتی کردن فلسطین نیز کمک های صنعتی مشروط به قبول مشارکت اسرائیل است. نظیر آنچه که در مصر و اردن نیز ایجاد شده، نواحی صنعتی خاصی بنام "نواحی صنعتی واجد شرائط" (کیو.آی.زد) در کرانه غربی با کمک امریکا و کشور های اروپائی ایجاد شده که شرط آن این است که این صنایع حد اقل هشت در صد محتوای تولیدی اسرائیلی داشته باشند. و بسیاری موارد دیگر. افت و خیز این کمک ها نیز با تیره شدن یا بهبود رابطه فلسطین و اسرائیل رابطه مستقیم دارد. این کمک ها که عمدتاً پس از موافقتنامه اسلو

وسعت گرفت با شروع انتفاضه دوم بشدت کاهش یافت. با مرگ یاسر عرفات کمک‌ها افزایش یافت و با قدرت گرفتن حماس بشدت کاهش یافت. با نخست‌وزیری فیاض که مورد حمایت امریکا است و وعده مبارزه با فساد داده بود، این کمک‌ها رونق گرفت، و با درخواست یکجانبه محمود عباس برای شناسائی فلسطین از سوی سازمان ملل، این کمک‌ها مجددا کاهش یافت. بعضی دولت‌های غربی که با دولت کنونی اسرائیل رابطه بسیار نزدیک دارند، از جمله دولت فعلی کانادا، پس از قدرت‌گیری حماس عملاً تمامی کمک‌های خود به فلسطین و حتی به سازمان اونروا (نهاد کمک به آوارگان فلسطینی سازمان ملل) را قطع کردند.

این کمک‌ها از سوی کشورها و نهاد‌های بین‌المللی به حکومت خود مختار فلسطین و به سازمانهای غیرانتفاعی، یا ان.جی.او.ها، به شکل کمک‌های اهدائی و یا وام با شرایط سهل داده می‌شود. دولت فلسطین حدود یک سوم بودجه خود را از این محل تامین می‌کند. منبع دیگر تامین بودجه این دولت مالیات و تعرفه‌هایی است که، از زمان موافقتنامه اسلو، دولت اسرائیل به نیابت دولت فلسطین جمع‌آوری می‌کند (چرا که فرودگاه و بندر و گمرکات در دست اسرائیل است) و ماهانه پس از کسر هزینه‌های آب و برق مصرفی فلسطینی‌ها به دولت فلسطین می‌پردازد. این رقم که حدوداً یکصد میلیون دلار در ماه است، هر بار به بهانه‌ای پرداخت نمی‌شود و دولت فلسطین از پرداخت حقوق کارمندان که تعدادشان به حدود یکصد و پنجاه هزار نفر می‌رسد، عاجز می‌ماند. این منبع در آمد نیز تقریباً یک سوم بودجه را تامین می‌کند، و یک سوم باقی مانده کسری بودجه دولت است که از منابع مختلف قرض می‌گیرد. واضح است که این وابستگی‌های مالی سبب شود که دولت خود مختار فلسطین در رابطه با اسرائیل با احتیاط و محافظه کاری فراوانی حرکت کند، چرا که دسترسی به تمامی این منابع مالی مشروط به خوش رفتاری با اسرائیل است.

طنز تلخ آنکه دولت خود مختار فلسطین شاید در شرایط کنونی تنها نهادی باشد که بتواند اسرائیل را سخت‌دچار مشکل و ناچار به سازش سازد. این دولت می‌تواند با توجه به زیر پا گذاشتن اغلب موارد موافقتنامه اسلو توسط اسرائیل با تعیین یک مهلت کوتاه مدت اعلام کند که در صورت عدم موافقت اسرائیل به یک صلح منصفانه، دولت خود مختار فلسطین خود را منحل اعلام کرده و اداره امور مناطق اشغالی، از حفظ امنیت گرفته تا اداره امور مدارس، بیمارستانها و جمع‌آوری زباله و اداره امور فاضلاب شهرها و دهات فلسطینی را باید اسرائیل بر عهده گیرد. واضح است که این کار چه مسائل پیچیده‌ای را برای اسرائیل به همراه خواهد داشت. اما دولت فعلی فلسطین بدلائل مختلف چنین کاری را نمی‌کند. با چنین کاری منافع یکصد و پنجاه هزار

کارمند که بخش عمده طبقه متوسط جدید فلسطین را تشکیل می دهد، و در راس آن منافع خود مقامات دولتی که عمدتاً از اعضاء ارشد سازمان فتح هستند، به خطر می افتد. فساد به اشکال گوناگون بسیار گسترده است.

یکی از دلایل سفر اخیر من شرکت در طرح ایجاد مدرسه عالی مدیریت دولتی فلسطین بود. این موسسه که برای تربیت مدیران دولتی ایجاد می شود، وابسته به دولت خود مختار فلسطین است و بودجه آنرا دولت فرانسه تامین کرده. در این سفر هائیده مگیثی و من چند نفر از دانشجویان را نیز به فلسطین برده بودیم. وزیر مسئول امور اداری که ناظر به ایجاد این مدرسه عالی است، با محبت فراوان ما را در یک روز تعطیل به یک تور منطقه ای برد. از پروژه های جالب توجه یک شهرک سازی وسیع با خانه های بسیار بزرگ و شیک برای فروش به فلسطینی ها بود. قیمت پیش خرید هر واحد از پانصد هزار دلار شروع می شد و قسمت اعظم آنها پیش فروش شده بود. واضح است که این نشان از رشد طبقه جدیدی است که امکان خرید و زندگی در چنین خانه هائی را داراست. البته فلسطینی ها یک طبقه بورژوازی قابل توجهی دارند که بخشی از خانواده های سنتی مهم فلسطین اند، و بخشی نیز در خارج بویژه در امریکا ثروتمند شدند و بعد از توافق اسلو یا به فلسطین باز گشتند یا در آن سرمایه گذاری کردند. در فلسطین "دهات"ی هستند از جمله جلجلیه سراسر از خانه های قصر مانند که بسیاری از آنها در طول سال خالی اند و در تابستانها توسط مالکین فلسطینی آنها که در خارج زندگی می کنند مورد استفاده قرار می گیرد. اما بر کنار از این طبقه بسیار ثروتمند، طبقه رو به رشد طبقه متوسط جدید است.

رشد وسیع طبقه متوسط جدید که هم در دولت و هم در ان.جی.او های متعدد، که عمدتاً با دریافت کمک های مالی خارجی ایجاد شده اند، کار می کنند، در همه جا بویژه در شهرهای بزرگ فلسطینی از جمله رام اله، نابلس، اریحا (جریکو) و جنین قابل مشاهده است. در رام اله هتل ها و رستوران های چهار ستاره و بوتیک های بین المللی فراوانند. ان.جی.او ها با پرداخت حقوق های بمراتب بالا تر از نهاد های داخلی فلسطینی، بهترین جوانان تحصیل کرده فلسطینی را جلب می کنند.

عده ای این ان.جی.او ها را بخاطر جلب با استعداد ترین جوانان فلسطینی و منحرف کردن آنها از مبارزه سیاسی و استقلال طلبانه محکوم می کنند. شک نیست که این واقعیتی است که بخش فزاینده ای از جوانان، حتی روشنفکران فلسطینی با تمام کردن دوره های دانشگاهی جلب ان.جی.او ها و یا دولت می شوند و از کار سیاسی کنار می روند و

از آنها بنوعی انقلاب زدائی می شود، اما محکوم کردن یک جانبه این نهاد ها بسیار نادرست است، و باید نقش دوگانه آنها را در نظر گرفت. فلسطین علاوه بر به مشته های گره کرده و مبارز، به یک قشر متخصص و حرفه ای نیز نیاز دارد، چرا که بدون مهندس و حسابدار و مدیر و امثالهم نخواهد توانست فلسطینی مستقل داشته باشد. علاوه بسیاری از ان.جی.او ها در عرصه های مهمی، از حقوق بشر، مسائل زنان، کودکان، گرفته تا کشاورزی، آبیاری، مدیریت، و کمک های پزشکی فعالند. بسیاری از اطلاعات و آمارهای ارزشمند در رابطه با اشغال فلسطین نیز از سوی پاره ای ان.جی.او ها منتشر می شوند. البته ان.جی.او های قلابی هم کم نیستند. آنچه را که باید محکوم کرد، دولت های کمک کنند، بویژه دولت های غربی و در راس آنها امریکا است که یکجانبه به فلسطینی ها برای سازش با اسرائیل فشار می آورند و در مقابل سیاست ها و حرکات فاجعه بار اسرائیل سکوت اختیار می کنند.

سیاست رهبران فلسطین

فلسطین کماکان از بیماری مزمن تفرقه سیاسی در رنج است. فلسطینی ها از این جهت با ما ایرانی ها بسیار شبیه اند. جریانات سیاسی فلسطین همگی زیر اشغال و قدرت سرکوبگر اسرائیل، و جریانات سیاسی ایرانی همگی زیر سرکوب رژیم جمهوری اسلامی اند، در رنجند. اما بجای مقابله متشکل با دشمن اصلی، جریانات فلسطینی مدام در حال جنگ و درگیری با هم اند، همانگونه که ما هستیم. دو سازمان بزرگ فلسطینی، فتح و حماس بازیگران اصلی اند و با هم در جنگ اند. فتح کنترل مناطق فلسطینی کرانه غربی را عمدتاً در دست دارد و در فساد غوطه ور است. حماس، جریان مرتجع اسلامگرا با حمایت عربستان سعودی و قبلای ایران بر غزه مسلط است.

دیگر جریانات سیاسی فلسطین که عمدتاً جریانات چپ و مترقی اند بسیار ضعیف و پراکنده اند. همانطور که در جای دیگری نیز اشاره کردم، در آخرین انتخابات مجلس قانون گذاری فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین که زمانی از پر قدرت ترین و محبوب ترین سازمانهای فلسطینی بود، با حدود چهار درصد آراء، تنها سه کرسی پارلمانی را بخود اختصاص داد. جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین در ائتلافی با حزب الشعب (حزب خلق فلسطین، سابقاً حزب کمونیست) و اتحادیه دموکراتیک فلسطین و چند شخصیت منفرد، تحت عنوان ائتلاف البدیل، کمتر از سه درصد آراء و دو کرسی پارلمانی را اخذ نمودند. فضای سیاسی فلسطین بیشتر و بیشتر شکل و شمایل مذهبی بخود گرفته و پاره

ای جریان‌هاست چه دست به حمایت اسلامگرایان زده اند. بر خلاف سالهای گذشته در همه جا حتی در جلسات سازمانهای چه اکثر زنان با حجاب هستند.

همه جریان‌هاست از تفرقه ناراضی اند و بویژه به دو جریان بزرگ ایراد می‌گیرند. در سال جاری در یک کنفرانس سیاسی در شهر ابودیس در محل دانشگاه القدس تمامی این جریان‌هاست عمده گرد آمدند. من نیز این فرصت را داشتم که در بخشی از این گرد همائی مهم شرکت داشته باشم. هدف عمده کنفرانس یافتن راههای آشتی حماس و فتح بود. احمد یوسف از رهبران حماس، بخاطر آنکه اجازه خروج از غزه را نداشت از طریق ویدئو کنفرانس سخنان خود را بیان داشت و ابراز امیدواری کرد که بزودی مذاکرات با فتح آغاز شود. امین مقبول، دبیر شورای انقلابی فتح نیز تاکید کرد که آشتی بین دو جریان برای جنبش فلسطین حیاتی است. صالح رفعت، عضو هیئت اجرائی سازمان آزادی بخش فلسطین تاکید کرد که درگیری بین دو سازمان بزرگ فلسطینی سبب تضعیف جنبش در عرصه جهانی شده است. بدنبال آن دیگر شرکت کنندگان از جمله دبیر کل حزب خلق فلسطین (قبلا حزب کمونیست فلسطین)، و اعضاء هیئت سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، و سازمان فدا، هر یک بر ضرورت آشتی و مصالحه فتح و حماس سخنرانی کردند.



کنفرانس مصالحه سازمانهای سیاسی فلسطینی رام اله

با آنکه این تجمع بخودی خود مثبت بود، اما تمامی جریان‌هاست چه که بین خودشان نیز اختلاف فراوان است، بر این عقیده بودند که منافع گروهی این دو جریان بزرگ مانع از مصالحه جدی بین آنان است. بهر حال بزرگترین مشکل جریان‌هاست سیاسی فلسطینی تفرقه و اختلاف بین آنهاست. اختلاف سیاسی بین جریان‌هاست امری عادی است، اما اینکه همگی یک درد مشترک دارند و نمی‌توانند حول یک محور معین امکانات خود را بر علیه اشغال اسرائیل و ایجاد دولت فلسطینی متمرکز کنند، امری غیر قابل قبول و باور نکردنی است. من نوشته قبلی خود در مورد فلسطین را علی‌رغم محتوای بد بینانه اش، با اشاره ای خوش بینانه و عطفی به محمود درویش که حالا مقبره اش بر فراز تپه ای در رام اله و مشرف به اورشلیم شرقی پایان رسیده، ختم کردم. اما در همین یک ساله اوضاع آنچنان تغییر کرده که متاسفانه جای چندان خوش بینی باقی نمانده است. دولت اسرائیل روز بروز قوی تر و مرتجع تر، و فلسطین ضعیف تر و ضعیف تر می‌شود. نیروهای چه و مترقی اسرائیل و

فلسطین بیش از پیش توسط نیروهای مرتجع و مذهبی مناطق خودشان به عقب رانده می شوند، و جهان نیز، بجز معدودی که خواستار بایکوت کردن اسرائیل اند، کمتر و کمتر به مسئله فلسطین می پردازد. تنها امید این است که نیروهای مترقی دو طرف با درک خطراتی که ادامه راه موجود در پیش دارد بهم نزدیک تر شوند و بر علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنند.

۱- البته اسرائیل منابع گاز بیشتری در سواحل شمالی خود کشف کرده و بزودی رقیب صادراتی سرسختی برای سوریه با منابع کشف شده جدیدش، و ایران و قطر در منبع مشترک پارس جنوبی خواهد بود، و امیدوار است که جنگ داخلی سوریه و حمله نظامی به ایران، اسرائیل را به این هدف نزدیکتر کند. قطر نیز بنوبه خود در مقابل توافق اخیر ایران، عراق، و سوریه برای لوله کشی گاز از عسلویه به عراق و به ساحل سوریه برای صادرات به اروپا، توافقی با اردن برای لوله کشی گاز از طریق عربستان سعودی به بندر عقبه در اردن برای صادرات به اروپا به انجام رسانده است. رقابت های صادرات گاز به اروپا به اینجا نیز ختم نمی شود و روسیه نیز هم از طریق ترکیه و بویژه از طریق سوریه قصد دارد مسیر جنوبی صادرات گاز خود را به اروپا گسترش دهد، و در این راه با مقابله شدید امریکا که در صدد ایجاد خط لوله جداگانه ایست، روبروست.